

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های زرین کلماکره

لیلا خسروی^{1*}، سیدمهدی موسوی کوهپیر²، جواد نیستانی³، علیرضا هژبری نوبری⁴

(تاریخ دریافت: 91/5/10، تاریخ پذیرش: 93/8/7)

چکیده

گنجینه‌ی کلماکره به طور اتفاقی در سال 1368 ه.ش توسط یک شکارچی محلی در غار کلماکره واقع در بیست کیلومتری شمال غرب شهرستان پلدختر لرستان کشف شد. این مجموعه شامل انواع ظروف، ریتون‌ها، مجسمه‌های انسانی و حیوانی، صورتک‌ها، پلاک‌ها، زیورآلات و... است. ویژگی منحصر به فرد این اشیا وجود کتیبه‌هایی به خط ایلام نو روی برخی از آنهاست. استفاده از کتیبه‌های میخی و نام‌های ایلامی، رابطه‌ای کاملاً نزدیک با افق فرهنگی ایلام نو را نشان می‌دهد. خواننده شدن این کتیبه‌ها توسط لامبرت، فرانسوا والا، رسول بشاش و تجزیه و تحلیل باستان‌شناختی آنها، سبب آشکار شدن نام یک سلسله‌ی گمنام محلی از دوران ایلام نو در لرستان شد که عرصه‌ی جدیدی را در مطالعات باستان‌شناسی و تاریخ هنر این دوره‌ی تاریخی در غرب ایران گشود. به جز تعدادی صورتک، که جنس آنها از طلاست، سایر اشیای این مجموعه از نقره ساخته شده‌اند، زیرا در آن زمان، معیار

1. استادیار، گروه تاریخی پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران. *l.khosravi57@gamil.com

2. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

3. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

4. استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مبادله در داد و ستد نقره بوده است. نگارندگان، قصد دارند در این مقاله به بحث و بررسی درباره‌ی صورتک‌های طلایی این گنجینه و مقایسه‌ی آن‌ها با نمونه‌های مشابه در سایر فرهنگ‌ها بپردازند.

واژه‌گان کلیدی: صورتک‌های طلایی، غار کلماکره، پلدختر، لرستان، ایلام نو.

1. مقدمه

امروزه برخی از همسایگان مرزی، سعی در تحریف تاریخ ما داشته و نوآوری‌ها و سابقه‌ی تمدنی ایران را به نام خود مصادره می‌کنند. به‌طوری‌که اشیای کلماکره را به هنر آناتولی و سوری نسبت می‌دهند. در این پژوهش، سعی بر این است که صورتک‌های مجموعه‌ی کلماکره را معرفی کرده و سپس به تجزیه و تحلیل فرم و کاربری آن‌ها بپردازیم و در نهایت، آن‌ها را با دلایل و مدارک مستند باستان‌شناختی با نام هنر ایرانی متعلق به لرستان معرفی کنیم. مطالعه‌ی این اشیاء از این جهت، مهم و حیاتی است که شالوده‌ی اصلی هنر فلزکاری هخامنشی بر آن بنیان نهاده شده است. این اشیاء تنها یک آثار هنری ساده نیستند، بلکه در وجود هر کدام از آن‌ها دنیایی از افکار، باورها، صنعت، هنر، شیوه‌های زندگی، اعتقادات مذهبی و ... نهفته است که علی‌رغم اهمیت ویژه‌ی شان تاکنون، پژوهش شایسته‌ای در این خصوص، صورت نگرفته است. کشف گنجینه‌های نفیسی که در سال‌های اخیر از دوران ایلام نو به‌دست آمده، ضرورت و اهمیت تحقیق در پیشینه‌ی تاریخی و هنر مناطق کوهستانی تحت نفوذ حکومت ایلام را بیشتر می‌کند؛ به‌همین دلیل، ضرورت انجام مطالعات جامع و نظام‌مند در فلزکاری این دوران احساس می‌شود.

شواهد و مدارک تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در بیشتر جوامع پیش از تاریخ و دوران تاریخی استفاده از صورتک، معمول و متداول بوده است. این امر حتی در دنیای مدرن کنونی به‌صورت گسترده و با کاربردهای گوناگونی متداول است. آنچه برای بسیاری از محققان، به‌ویژه باستان‌شناسان، جای سؤال است، چرایی استفاده از این اشیاء است. اگرچه برخی از محققان کاربردهای دینی و آیینی را برای آن‌ها قایل‌ند، همچنان پرسش‌های فراوانی پیش‌روی پژوهشگران هست که نیازمند مدارک و پژوهش‌های بیشتری است تا بتوان پاسخی

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لایلا خسروی و همکاران

متن برای آن یافت. پرسش اصلی در این مقاله، چگونگی فرم، تکنیک ساخت و کاربرد این نوع از اشیا بوده است و اینکه با هنر کدام اقوام قابل مقایسه است و مفهوم نمادین و اساطیری آن‌ها چیست؟

این پژوهش به روش تحلیلی و استقرایی و با تأکید بر فناوری در ساخت اشیا انجام شده است. همچنین از روش مشاهده و مراجعه به موزه‌های داخل کشور و جست‌وجوی اینترنتی در وب‌سایت موزه‌های خارجی و برقرای ارتباط با آن‌ها و روش تحقیق و تحلیل مقایسه‌ای برای شناخت روابط بین داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعه‌ی اشیا و بررسی اسناد و متون تاریخی استفاده شده است.

مقاله‌ی حاضر تلاش دارد تا با بررسی دقیق صورتک‌های به‌دست‌آمده از غار کلماکره، که در نوع خود کم‌نظیر است، پاسخی منطقی و متن برای کاربری این اشیا بیابد. کیفیت جنس و اندازه‌ی متفاوت صورتک‌های کلماکره و وجود ذرات چوب در پشت آن‌ها که احتمالاً حاکی از نصب‌شان روی مجسمه‌های چوبی است، بر ابهامات چگونگی استفاده از آن‌ها می‌افزاید. همه‌ی این عوامل، انگیزه‌ی نویسندگان بر پرداختن به این آثار را دوچندان کرد. در میان اشیای گنجینه‌ی غار کلماکره موجود در داخل و خارج از ایران حدود ده عدد صورتک و سه عدد لب متعلق به آن‌ها یافت شد که در بخش اشیای تزئینی و نمادین این مجموعه طبقه‌بندی شدند.

صورتک موجود در موزهی فلک‌الافلاک خرم‌آباد



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا، با شماری اموالی 84، به ابعاد ارتفاع 5/2 سانتی‌متر و عرض 5/3 سانتی‌متر، دارای ابروان به‌هم پیوسته که جای دهان و ابروها خالی است. احتمالاً در حفره‌های گود چشم و دهان، ماده‌ی دیگری مانند سنگ‌های رنگین (لاجورد) قرار می‌دادند. در اطراف لبه‌ی این صورتک، سوراخ‌هایی به‌منظور

اتصال دیده می‌شود. این صورتک، مانند مجسمه‌های تصویر 1: صورتک طلایی کلماکره، سومری، چشمان بزرگی دارد. احتمالاً هنرمندان لر نیز موزه فلک‌الافلاک (عکس از لیلا خسروی) مانند سومریان با قیر طبیعی، درون حفره‌ی چشم‌ها را پر کرده و سپس به‌جای مردمک سنگ‌های رنگین می‌نشانند که قیر نقش ماده‌ی چسباننده را داشته است. سوراخ‌های موجود روی صورتک، محل پرچ کردن صورتک به بدنه بوده است. صورتک بدون چانه و دارای بینی بزرگ عقابی شبیه به بینی لره‌ای امروزی است.

صورتک‌های موجود در موزهی ملی ایران



تعداد نه قلم از صورتک‌های طلایی غار کلماکره به همراه تعدادی لب طلایی توسط مأموران، کشف و ضبط شد که اکنون در موزهی ملی ایران نگهداری می‌شوند. در اطراف لبه‌ی صورتک‌ها، سوراخ‌هایی برای پرچ کردن هست و روی برخی از آن‌ها نیز دو میخ برای اتصال به مجسمه قرار دارد. همه صورتک‌ها مانند صورتک موجود در خرم‌آباد، بینی بزرگ عقابی شکل، ابروان به‌هم پیوسته و بدون چانه دارند. همچنین سوراخ‌هایی نیز در اطراف لب‌های انسانی برای اتصال وجود دارد.

تصویر 2: صورتک‌های طلایی کلماکره، موزهی ملی ایران (عکس از سید مهدی موسوی)

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لایلا خسروی و همکاران

- شی شماره‌ی 1



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره اموالی 9717، به ابعاد طول 10/5 و عرض 8/1 سانتی‌متر و وزن 42/27 گرم، سوراخ‌هایی در ناحیه‌ی لبه برای اتصال دارد.

- شی شماره‌ی 2



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9719، به ابعاد طول 5/8 و عرض 4/3 سانتی‌متر و وزن 14/42 گرم لبه‌ی بالای آن به صورت کنگره‌دار و دارای سوراخ‌هایی جهت اتصال است.

- شی شماره‌ی 3



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9720 به ابعاد طول 6 و عرض 5/5 سانتی‌متر و وزن 10/45 گرم، لبه‌ی بالای آن به صورت نوک تیز و دارای سوراخ‌هایی برای اتصال است.

- شی شماره 4



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9721. به ابعاد طول 5/9 و عرض 5/9 سانتی‌متر و وزن 10/86 گرم در اطراف لبه، دارای سوراخ‌هایی برای اتصال است.

- شی شماره 5



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9731. به ابعاد طول 5/9 و عرض 5/9 سانتی‌متر و وزن 11/37 گرم، لبه‌ی بالای آن نوک تیز و دارای سوراخ‌هایی برای اتصال است. هنوز آثار گل و ذرات چوب در سطح آن قابل مشاهده است.

- شی شماره 6



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9748. به ابعاد طول 5/8 و عرض 5/6 سانتی‌متر و وزن 15/08 گرم لبه‌ی بالای آن نوک‌تیز و دارای سوراخ‌هایی برای اتصال است.

– شی شماره‌ی 7



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9733 به ابعاد طول 6 و عرض 5/8 سانتی‌متر و وزن 12/30 گرم، لبه‌ی بالای آن نوک‌تیز و دارای سوراخ‌هایی برای اتصال است. هنوز آثار گل و ذرات چوب در سطح آن قابل مشاهده است.

– شی شماره‌ی 8



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9722. به ابعاد طول 6 و عرض 5/9 سانتی‌متر و وزن 15/45 گرم، لبه‌ی بالایی نوک‌تیز و دارای سوراخ‌ها و دو پین در اطراف لبه برای اتصال است.

– شی شماره‌ی 9



صورتک چهره‌ی انسان از جنس طلا با شماره اموالی 9718. به ابعاد طول 5/9 و عرض 5/8 سانتی‌متر و وزن 13/70 گرم لبه‌ی بالایی نوک‌تیز دارای سوراخ‌ها و دو پین در اطراف لبه برای اتصال است.



دهان‌بند (لب‌های) طلای کلماکره موجود در موزهی

ملی ایران



1. دهان‌بند یا لب انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9724، به ابعاد طول 4/2 و عرض 1/6 سانتی‌متر و وزن 3/59 گرم، دارای سوراخ‌هایی برای اتصال در اطراف لبه است.



2. دهان‌بند یا لب انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9724، به ابعاد طول 4/6 و عرض 2 سانتی‌متر و وزن 2/56 گرم دارای سوراخ‌هایی جهت اتصال در اطراف لبه است.

تصویر 3. لب‌های طلای کلماکره، موزهی ملی ایران (عکس از سید مهدی موسوی)

3. دهان‌بند یا لب انسان از جنس طلا با شماره‌ی اموالی 9724، به ابعاد طول 4/1 و عرض 1/5 سانتی‌متر و وزن 3/09 گرم که سوراخ‌هایی به‌منظور اتصال در اطراف لبه دارد.

روی برخی از صورتک‌ها آثاری از ذرات چوب دیده می‌شود که نشان می‌دهد، این صورتک‌ها روی مجسمه‌های چوبی نصب شده بودند و در اثر مرور زمان، چوب آن‌ها از بین رفته است.



تصویر 4. میخ‌ها و آثار چوب روی برخی از صورتک‌ها، موزهی ملی ایران (عکس از سیدمهدی موسوی)

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لایلا خسروی و همکاران

مقایسه و تحلیل داده‌ها (بحث و بررسی)

در لرستان و استان‌های اطراف آن، هم‌زمان با صورتک‌های کلماکره، تعدادی صورتک‌های مفرغی و نقره‌ای متعلق به هزاره‌ی اول ق.م یافت شده است.



- صورتک نقره‌ای مکشوفه از دره شهر ایلام توسط یک پسر روستایی کشف شده بود و هنگامی که در بازار تهران، قصد فروش آن را داشت، مأموران او را دستگیر کردند. این صورتک، دارای بینی بلند، لب‌های کلفت، ابروهای به هم پیوسته و حفره‌ی جای چشم‌های آن خالی و بادامی شکل است

(روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی 3441، پنج‌شنبه، 24 تصویر 5. صورتک نقره‌ای مکشوفه از دره شهر ایلام فروردین 1385).



- صورتک مفرغی مکشوفه از لرستان که در حراجی Sotheby's Auctions به نمایش درآمده بود، صورتی بیضی، چانه‌ای تیز، بینی بلند کشیده داشته و موهای سر آن در جلو به دو نیمه تقسیم شده است.

تصویر 6. صورتک مفرغی لرستان در موزه‌ی ژنو

<http://www.spongobongo.com/em/nm/sny9848.htm>



- صورتک مفرغی لرستان در موزهی ژنو با بینی بلند نوک‌تیز مثلی، لب‌های برجسته، ابروهای به‌هم پیوسته، حفره‌ی چشم‌ها گود بوده و سنگ رنگین در داخل آن نشانده می‌شده است. تزیینات اطراف آن به‌صورت ورقه‌های جدا بوده که به صورتک، پرچ شده است.

تصویر 7. صورتک انسانی مفرغی لرستان در موزهی ژنو

<http://www.art-prints-on-demand.com/a/persian-school/human-mask-from-luristan.html>



- صورتک انسانی در مرکز سرسنجاق مفرغی لرستان متعلق به هزاره‌ی اول ق.م

تصویر 8. صورتک انسانی در مرکز سرسنجاق

مفرغی لرستان، هزاره‌ی اول ق.م



- صورتک مفرغی مکشوفه از چهارمحال و بختیاری، دارای بینی و چانه، بلند، لب‌های برجسته، ابروهای به‌هم پیوسته با چشم‌های بادامی مرصع با عاج که متعلق به هزاره‌ی اول ق.م است.

تصویر 9. صورتک مفرغی، موزه‌ی شهرکرد

(عکس از لیلا خسروی)

– صورتک‌های مکشوفه از خوزستان



انسان در زمان و مکان‌های مختلف همواره کوشیده تا خصوصیات و شکل مردگان خود را حفظ کند و مانع از بین رفتن خطوط چهره‌ی آنان شود؛ به همین منظور، ایلامیان در دوره‌ی ایلام میانه در مقابر خود، سرهایی از گل خام نقاشی شده قرار می‌دادند که از

روی سر مرده به محض فرارسیدن مرگ، قالب‌گیری می‌شد تا حالت واقعی، همان لحظه حفظ شود؛ سپس در دوره‌ی ایلام نو موزه هفت تپه

به صورت صورتکی ساخته می‌شد که صورت مرده را می‌پوشانید (آمی، 1349: 63 و 64). گنجینه‌ای مربوط به دوره‌ی ایلام نو از شوش به دست آمده که یکی از زیباترین اشیای آن، صورتک چهره‌ی یک انسان از جنس نقره بوده که چشم‌های آن از عاج نشاندۀ شده است، احتمالاً این صورتک بر بدنی از جنس دیگر مانند چوب جاسازی می‌شده که در اثر مرور زمان از بین رفته (مجیدزاده، 1370: 90) و یا برای تشریفات و مراسمی روی صورت گذاشته می‌شده است.

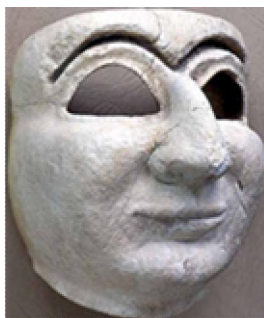


– ماسک‌های مکشوفه از بین‌النهرین

با حضور سومریان و آغاز تاریخ مکتوب، جادوی کهن جای خود را به مذهب خدایان داد. خدایان طوفان، آسمان، آب، ماه، خورشید، عشق و باروری. هنرمندان سومری برای ساختن تصاویر و پیکره‌های انسانی، قواعدی ابداع کرده بودند اما چشم‌ها، هم‌چنان که در هنر خاور نزدیک معمول است، تمام‌رخ و بسیار بزرگ هستند.

قدیم‌ترین ماسک مکشوفه در لایه‌ای از دوره‌ی جمدت تصویر 11، سردیس سنگی یک زن از وارکا النصر از وارکا به دست آمده و تقریباً به اندازه‌ی طبیعی است و به‌طور آشکارا نماینده‌ی اوج تمام و کمال هنر از دوران اولیه‌ی فرهنگ بین‌النهرین است که

شاید بخشی از مجسمه‌ی یک الهه باشد (Crawford 1991:160,161). این سردیس به موناویزای سومری معروف است. موناویزای سومری، یک صورتک با ابعاد 20 در 20 سانتی‌متر است که در جریان غارت موزه‌ی بغداد در آخرین روزهای حکومت صدام به سرقت رفت و در ماه فوریه توسط نیروهای پلیس عراق از قاچاقچیان آثار پس گرفته شد. این سردیس، تنها نیمه‌ی جلوی سر، یعنی صورت و گوش‌ها بوده و در پشت سر مسطح است. شاید این سر در اصل بر بدنی از چوب سوار می‌شده، کاسه‌ی چشم‌ها خالی و جای ابروان، کنده و اندکی گود شده و بی‌تردید همچون مجسمه‌های دوران سلسله‌های قدیم جای خالی را با سنگ لاجورد یا ابسیدین پر می‌کردند. این سر به‌طرز بسیار زیبایی بازسازی شده است (Loyed, 1961: 42).



- صورتک مکشوفه از ماری

این صورتک که از سنگ آهک ساخته شده، از ماری به‌دست آمده و متعلق به سلسله‌ی سوم اور است. نمونه‌های مشابه این

مجسمه‌ها اوج هنر درخشان فرات میانه را نشان **تصویر 12**. صورتک سنگی مکشوفه از ماری، می‌دهد که تأثیرات بین‌النهرین جنوبی روی آن‌ها سلسله سوم اور (عکس از موزه لوور) آشکار است. این مجسمه‌ها از چوب و سنگ ساخته شدند و نمونه‌های آن در ماری و Ebla در سوریه‌ی غربی به دست آمده است. چشم‌ها را با مواد دیگر ترصیع می‌کردند؛ زیرا سومریان اعتقاد داشتند، چشمان درشت نشانه‌ی هوش و زیرکی است. احتمالاً چشم‌ها از قیر طبیعی و مردمک آن از سنگ لاجورد بوده است که از قیر به‌عنوان ماده‌ی چسباننده استفاده می‌کردند. شیارهای گودی در بالای چشم‌ها به‌جای ابرو قرار دارد که پیشانی را از چشم‌ها و موی سر جدا می‌کند. در Ebla دو کلاه گیس به اندازه‌ی این صورتک پیدا شده که احتمالاً موهای سر آن بوده‌اند. این صورتک دارای یک بینی کج، چانه‌ی کوچک و یک لبخند مبهم و اسرارآمیز است که در بیشتر مجسمه‌های ماری دیده می‌شود (سایت موزه‌ی لوور). صورتک‌های گوناگونی در سومر به دست آمده است که باید ریشه‌ی اصلی این هنر را در سومر جست‌وجو کرد.



تصویر 14. صورتک مکشوفه از سومر



تصویر 13. صورتک گلی هوم بابا، سومر



تصویر 15. چشم‌بند آهنی متصل به کلاه خود، کوبان



تصویر 16. صورتک طلایی تونخامون، مصر

- در نقاط دیگر، صورتک‌های مختلفی یافت شده که نشان دهنده‌ی استفاده از این شی با کارکردهای گوناگون است. در تصویر مقابل، یک صورتک (چشم‌بند) آهنی پرچ شده به یک کلاه‌خود را می‌بینیم که از کوبان، مکان استقرار سیمری‌ها، به‌دست آمده و کارکرد آن حفاظت از صورت در جنگ‌ها بوده است. این

صورتک نه آیینی بوده، نه مذهبی و نه تشریفاتی، بلکه در زندگی روزمره استفاده‌ی کاربردی داشته است. در قرن چهارم، رومیان کلاه‌خودهایی با ماسک صورت می‌پوشیدند.

این کلاه‌خودها در قرون اولیه، توسط سواره‌نظام استفاده می‌شد؛ اما ظاهراً در جنگ استفاده نمی‌شدند و کلاه‌خودهای ورزشی و تفریحی سواره نظام به‌شمار می‌آمدند. (James, 1986:120)

- در مصر نیز از صورتک‌ها با کارکردهای گوناگون استفاده می‌شده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به صورتک سر توتنخامون اشاره کرد که ماسک

مرگ بوده و در هنگام تدفین روی جسد مومیایی آن قرار دادند.

در لرستان پس از هزاره‌ی اول ق.م، همچنان استفاده از صورتک

مرسوم بوده است. شاهد این ادعا تدفین مکشوفه در محوطه‌ی سنگ‌تراشان در نزدیکی شهر خرم‌آباد، متعلق به دوران اشکانی است که متوفی را با چشم‌بند و دهان‌بند طلایی در داخل یک تابوت مفرغی به خاک سپرده بودند. به‌نظر می‌رسد که کاربرد آن آیینی و جزء صورتک‌های

مرگ و مخصوص مراسم تدفین بوده است. در دوران اشکانی صورتک‌های انسانی برای تزیین بنا نیز به کار برده می‌شد؛ به نمونه‌های آن در هترا برمی‌خوریم که برای آرایش طاق ضربی‌ها و ستون‌های چهارگوش به کار برده شدند (کریمیان، 1383: 97). صورتک‌های انسانی در دوران رنسانس نیز به عنوان یک شیء تزیینی در باغ‌ها و حیاط کاخ‌ها استفاده می‌شدند و صرف‌نظر از اصل و ریشه‌ی آن معلوم بوده که این اشیاء ارزش تزیینی داشته و کمیاب و باارزش بودند (Prusac, 2005: 2).



تصویر 17. تدفین مکشوفه در محوطه‌ی سنگ‌تراشان در نزدیکی شهر خرم آباد با چشم‌بند و دهان‌بند طلا
(عکس از لیلا خسروی)

صورتک‌سازی فقط مختص یک قوم، یا یک سرزمین نبوده است. در بسیاری از نقاط جهان باستان نمونه‌های فراوانی را می‌توان پیدا کرد؛ مثلاً صورتک‌سازی والاترین شکل تجلی هنری در صنعت مجسمه‌سازی آفریقا است. صورتک‌های آفریقایی ابزاری مقدس و مذهبی به‌شمار می‌روند و در مراسم جادوگری و مذهبی و همچنین در رقص‌ها و دیگر فعالیت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. صورتک‌های به‌دست آمده از جوامع آفریقایی نشان می‌دهد که این سنت از عناصری به‌هم پیوسته تشکیل شده است و به هزاران سال قبل می‌رسد. همچنین

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لایلا خسروی و همکاران

صورتک‌ها در لوانت، سوریه و جنوب شرق آناتولی در دوران نوسنگی سمبل‌های مذهبی محسوب می‌شدند. ما به خوبی می‌دانیم که تشریفات مذهبی یک سیستم از ارتباط، تولید، تکثیر و ارتباط بین انسانها و وجود ماورایی است و مذهب به رفتار و ساختار اجتماعی مقدس جامعه مربوط می‌شد (Verhoeven, 2002: 9) در روستاهای امروزی آفریقا از صورتک‌ها در فستیوال‌های محلی استفاده می‌کنند و امروزه در آفریقا صورتک‌های طراحی شده همراه با حرکات نمایشی بیشتر برای جلب توریست ساخته می‌شوند که بدینوسیله فرهنگ محلی قبایل مختلف آفریقایی نشان داده می‌شود (De jong, 1999: 50). استفاده از صورتک‌ها در مراسم آفریقایی یک تصویری از هنر سورئال است (Walker, 1997: 641).

هنر تئاتر با صورتک‌ها ظهور پیدا کرده و از سه مرحله مشتق شده است. تشریفات مذهبی، جشن‌ها و تئاتر که این مراحل فرایند نحوه‌ی عمل کرد و استفاده از صورتک‌ها را برای امور مذهبی و دنیوی نشان می‌دهد و یک مورد دیگر که مربوط به پرستش نیاکان است که بابا نامیده می‌شود و موقعیت و جایگاه ویژه‌ی مردگان برای تأثیر گذاری روی زمین است (Adedeji, 1972: 255). به‌طور عمده، صورتک‌های عینکی به شخصیت‌های اساطیری و توتمی مربوط می‌شوند که برای شخصیت‌های توتمی، بیشتر از صورتک‌های حیوانی استفاده می‌شده است (Ibid: 262). بسیاری از صورتک‌های آفریقایی طرحی از سر حیوانات است؛ زیرا معتقدند که قدرت آن‌ها در سرشان متمرکز می‌شود. حیوانات، همیشه جایگاه خاصی در ادبیات، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و داستان‌ها دارند و امروزه، شخصیت‌های داستانی بچه‌ها هستند. برای حضور آن‌ها در زندگی انسان‌ها چندین توضیح وجود دارد. لایه‌های متعددی از مفاهیم و اثر متقابل بین پادشاهان، انسان‌ها و حیوانات هست و این هم‌پستگی با حیوانات در زندگی بچه‌ها وجود دارد که وظیفه‌ی سمبلیک و هدف آن‌ها علمی و آموزشی است و صورتک‌های حیوانی راهی برای تجربه‌ی رفتارهای اجتماعی در جامعه است (Brugelilles & Cromer, 2002: 250). در هنر مصری، خدایان در قالب موجودات انسانی با صورتک‌های حیوانی پرنقش و نگار ظاهر می‌شدند و مصریان اعتقاد داشتند که شخصیتی آسمانی در صورتک حضور دارد. علاوه بر مصر، در هند و ژاپن نیز تعداد قابل ملاحظه‌ای از صورتک‌های تزئینی مربوط به اعیاد و مراسم

گوناگون وجود دارد (Grove & Turner, 1996: 390). این نمونه از صورتک‌ها را هنوز هم در نقاط مختلف جهان و به‌هنگام کارناوال‌های گوناگون مذهبی و جشن‌هایی که ریشه در تاریخ ادبیات شفاهی آنان دارد، می‌توان مشاهده کرد. طی این مراسم، دارندگان صورتک با لودگی و شکستن موقت نظم و برداشتن محدودیت‌ها، برخلاف نقش‌های اجتماعی و شخصیت عادی و روزمره‌ی خود، نقش‌های دیگری را از خود نشان می‌دهند. در مواردی استفاده‌کننده‌ی صورتک با روح یک حیوان یا نیاکان رودررو می‌شود؛ به‌طوری‌که فرد باید به‌طور درونی، تغییر یابد؛ به‌گونه‌ای که تجسمی از روح حیوان و نیاکان خود شود (Adedeji, 1972: 260). موضوع اصلی این صورتک‌ها می‌تواند اعتقاد به حلول روح نیاکان‌شان باشد و تأثیرات هیجانی‌ای که به‌صورت ماوراءطبیعی در زندگی آنان داشته است. این مسئله و نشان‌دادن قدرت ارواح نیاکان و خدایان، دلیلی برای نشان‌دادن قلمرو نشانه‌ها و سمبل‌هاست و دیگری علایق بشر برای بقا پیوستگی جامعه است (Ibid: 259). این صورتک‌ها در جوامع دیگر، تجسمی از ارواح جنگل هستند؛ ولی همه‌ی صورتک‌ها به این دو مقوله مربوط نمی‌شوند. حتی بیننده با دیدن نمایش نیز نمی‌تواند تشخیص دهد که این صورتک چه کاربردی داشته است. صورتک‌ها دارای یک قدرت قهری غیرمبهم هستند (Dejong, 1999: 50).

انسان ابتدایی برای پاسخ به نیازهای مادی و معنوی و مقابله با مشکلات زندگی بدوی خود، ناگزیر از کنارآمدن و تأثیر گذاشتن بر محیط اطرافش بود. چنین نیازی درنهایت، روی آوردن به‌سوی رفتارها و مناسکی بود که بتواند او را با نیروها و قدرت‌های نادیدنی مرتبط سازد که زدن صورتک به‌چهره و یا پوشاندن سر و بدن با پوششی متفاوت در بعضی از این آیین‌ها، ابزاری قدرتمند در دست آن‌ها بوده است. گاهی نیز فقط جنبه شوخی و بازی داشته است؛ مانند صورتک‌هایی که اسکیموها استفاده می‌کردند (Gessain, 1954: 214).

در آیین پررمز و راز و باستانی میترا در جشن‌ها و مراحل مختلف سیر و سلوک گروندگان، استفاده از صورتک‌هایی خاص و فراخور شأن هر فرد معمول بوده است. در آیین‌ها، جشن‌ها و مراسم گوناگون، مهر دین‌ها در روزگار تولد مهر با صورتک‌هایی از جانوران در آیین‌های همگانی شرکت می‌کردند. به نمایش‌گذاران حرکات و رقص، درواقع بازمانده‌ی نمایش‌های

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لایلا خسروی و همکاران

سمبولیک از آداب ابتدایی است که آثار آن تاکنون به صورت نمایشی در کارناوال‌ها، جشن‌ها و بالماسکه‌ها باقی مانده است (رضی 1371: 21). اقوام سلت که دوهزار سال پیش در نواحی ایرلند، انگلستان و شمال فرانسه زندگی می‌کردند، سال نو را در اول نوامبر جشن می‌گرفتند. این روز برای آن‌ها نماد پایان تابستان و برداشت محصول و آغاز زمستان تاریک و طولانی بود. آن‌ها باور داشتند که در شب سال نو مرز بین دنیای مردگان و زنده‌ها کم‌رنگ و ضعیف می‌شود و به همین منظور در شب سی‌ویکم اکتبر، به مناسبت ورود ارواح مردگان به دنیای زنده‌ها مراسمی برپا می‌کردند. در روز هالووین که باور عموم بر ورود ارواح سرگردان به دنیای زندگان بود، مردم برای دوری از به‌مخاطره‌افتادن جان‌شان در مواجهه با ارواح و برای آن‌که توسط ارواح شناخته نشوند، هنگام خروج از خانه، با لباس مبدل و ماسک و گریم تغییر قیافه می‌دادند تا به تصورشان ارواح، آن‌ها را با بقیه‌ی ارواح و شیاطین اشتباه بگیرند و با آن‌ها کاری نداشته باشند. امروزه در اروپا و آمریکا در این جشن، که بخشهایی از آن شبیه به قاشق‌زنی ایرانیان در چهارشنبه‌سوری است، کودکان با علایم و نشانه‌های ترسناک و صورتک‌هایی به شکل جن به خانه‌ی همسایه‌ها رفته و از آن‌ها تقاضای تنقلات می‌کنند. در آیین قاشق‌زنی، ایرانیان با چادری سر و بدن خود را می‌پوشاندند و زن و مرد با کاسه و قاشق در خانه‌ها را می‌زدند و کسی که در را باز می‌کرد، خیراتی مانند گندم، برنج یا حبوبات به آن‌ها می‌بخشید. پوشاندن صورت، سخن‌نگفتن و به‌جای آن قاشق‌زدن، احتمالاً اجرای نمایشی اعمال ارواح است. درواقع، روح بازگشته به زمین به این صورت نمایش داده می‌شده است که از لحاظ تاریخ نمایش نیز اهمیت بسیار دارد.

در دوران گذشته، عموماً برگزاری جشن‌های عمومی با صورتک همراه بوده است و این صورتک‌های پوشیده، نشانی از نیاکان و ارواح بودند که در جشن سال نو به میان خانواده‌های خود می‌آمدند و طبق عقاید ایرانیان همان فروشیان هستند. فروردین جشن فروهرها یا ارواح نیک درگذشتگان است. در اوستا، یشت سیزدهم مخصوص آن‌هاست. جشن نوروز، روزگار فرودآمدن ارواح به میان خانواده‌های‌شان است. ارواح وسیله‌ی بازماندگان در روز نوزدهم فروردین = فرودک تا گورستان بدرقه شده و مراسمی برای آن‌ها برپا می‌شود. همچنین می‌توان مراسم سیزده‌به‌در را تعبیری از این‌گونه دانست که بازماندگان با شادمانی، ارواح را تا بیرون شهر مشایعت می‌کنند. در

جشن زگموک بابلی در این زمینه شرحی است (رضی، 1380: 25). در ذیل، تمام صورتک‌های مورد مقایسه در جدول‌ها آمده است که با مقایسه‌ی آن‌ها در می‌یابیم که صورتک‌های کلماکره، بیشترین شباهت را با صورتک‌های مکشوفه از بین‌النهرین دارد که ریشه‌ی اصلی ساخت این شیء را بر اساس مدارک ارائه شده باید در هنر سومری جست‌وجو کرد؛ سپس ایلامیان به تقلید از آن‌ها از آن استفاده وسیعی نمودند. صاحبان گنجینه‌ی غار کلماکره نیز به عنوان یکی از حکومت‌های مستقل دوران ایلام نو که در جنوب لرستان ساکن بودند، اقدام به ساخت چنین آثاری با فرم و نحوه‌ی ساخت متفاوت کردند.

کاتالوگ 1. صورتک‌های کلماکره

ردیف	شکل	جنس	تکنیک ساخت	کاربرد	ابعاد (cm)			وزن (گرم)	کتبه	گاه نگاری	محل نگهداری	شماره‌ی اموالی	تصویر شیء
					طول	عرض	ارتفاع						
1	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	-	5/3	5/2	-	-	ایلام نو هزاره‌ی اول ق م	گنجینه‌ی فلک‌الافلاک	84	
2	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	10/5	8/1	-	42/27	-	ایلام نو هزاره‌ی اول ق م	موزه‌ی ملی ایران	9717	
3	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	5/8	4/3	-	14/42	-	ایلام نو هزاره‌ی اول ق م	موزه‌ی ملی ایران	9719	
4	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	6	5/5	-	10/45	-	ایلام نو هزاره‌ی اول ق م	موزه‌ی ملی ایران	9720	
5	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	5/9	5/9	-	10/86	-	ایلام نو هزاره‌ی اول ق م	موزه‌ی ملی ایران	9721	

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لیا خسروی و همکاران

کاتالوگ 1. صورتک‌های کلماکره

ردیف	شکل	جنس	تکنیک ساخت	کاربرد	ابعاد (cm)			وزن (گرم)	کتیبه	گاه‌نگاری	محل نگهداری	شماره ی اموالی	تصویر شیئ
					طول	عرض	ارتفاع						
6	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	5/9	5/9	-	11/37	-	ایلام نو هزاره ی اول ق.م	موزه ی ملی ایران	9731	
7	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	5/8	5/6	-	15/08	-	ایلام نو هزاره ی اول ق.م	موزه ی ملی ایران	9748	
8	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	6	5/8	-	12/30	-	ایلام نو هزاره ی اول ق.م	موزه ی ملی ایران	9733	
9	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	6	5/9	-	15/45	-	ایلام نو هزاره ی اول ق.م	موزه ی ملی ایران	9722	
10	صورتک	طلا	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	5/9	5/8	-	13/70	-	ایلام نو هزاره ی اول ق.م	موزه ی ملی ایران	9718	

کاتالوگ 2. دهان بند (لب‌های) کلماکره

ردیف	شکل	جنس	تکنیک ساخت	کاربرد	ابعاد (cm)			وزن (گرم)	کتیبه	گاه‌نگاری	محل نگهداری	شماره اموالی	تصویر شی
					طول	عرض	ارتفاع						
11	لب	طلا	چکش - کاری	آیینی - تشریفاتی	4/2	1/6	-	3/59	-	ایلام نو هزاره اول ق.م	موزه ملی ایران	9724	
12	لب	طلا	چکش - کاری	آیینی - تشریفاتی	4/6	2	-	2/56	-	ایلام نو هزاره اول ق.م	موزه ملی ایران	9724	
13	لب	طلا	چکش - کاری	آیینی - تشریفاتی	4/1	1/5	-	3/09	-	ایلام نو هزاره اول ق.م	موزه ملی ایران	9724	

کاتالوگ 2. صورتک‌های مقایسه شده با صورتک‌های کلماکره

ردیف	شکل	جنس	تکنیک ساخت	کاربرد	ابعاد (cm)			وزن (گرم)	کتیبه	گاه‌نگاری	محل نگهداری	محل کشف	تصویر شی
					طول	عرض	ارتفاع						
1	صورتک	نقره	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	-	-	-	-	-	هزاره اول ق.م	نامعلوم	ایلام	
2	صورتک	مفرغ	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	-	-	-	-	-	هزاره اول ق.م	حراجی Sothebys Auctions	لرستان	
3	صورتک	مفرغ	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	-	-	-	-	-	هزاره اول ق.م	موزه زئو	لرستان	
4	صورتک	مفرغ	چکش کاری	آیینی - تشریفاتی	-	-	-	-	-	هزاره اول ق.م	نامعلوم	لرستان	

تحلیل فرم و کاربری صورتک‌های ... لیا خسروی و همکاران

کاتالوگ 2، صورتک‌های مقایسه شده با صورتک‌های کلماکره

ردیف	شکل	جنس	تکنیک ساخت	کاربرد	ابعاد (cm)			وزن (گرم)	کتیبه	گاه‌نگاری	محل نگهداری	شماره اموالی	تصویر شیئ
					طول	عرض	ارتفاع						
5	صورتک	مفرغ	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	هزاره‌ی اول ق.م	موزه‌ی شهرکرد	چهارمجال و بختیاری	
6	صورتک	مفرغ	چکش کاری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	هزاره‌ی اول ق.م (ایلام نو)	احتمالاً موزه‌ی هفت تپه	هفت تپه خوزستان	
7	صورتک	سنگ	قالب‌گیری	آیینی تشریفاتی	20	20	-	-	-	جمدت النصر	موزه‌ی بغداد	وارکا	
8	صورتک	سنگ آهک	قالب‌گیری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	سلسله سوم اور	موزه‌ی لوور	اور	
9	صورتک	گل	قالب‌گیری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	سومر	-	بین النهرین	

کاتالوگ 2. صورتک‌های مقایسه شده با صورتک‌های کلماکره

ردیف	شکل	جنس	تکنیک ساخت	کاربرد	ابعاد (cm)			وزن (گرم)	کپیبه	گاه‌نگاری	محل نگهداری	شماره اموالی	تصویر شیئ
					طول	عرض	ارتفاع						
10	صورتک	گل	قالب‌گیری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	سومر	-	بین‌النهرین	
11	صورتک	آهن	چکش‌کاری	مصرفی کلاه‌خود	-	-	-	-	-	هزاره‌ی اول ق.م. سیمری	-	کوبان	
12	صورتک	طلا	قالب‌گیری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	مصر	-		
13	صورتک	طلا	چکش‌کاری	آیینی تشریفاتی	-	-	-	-	-	اشکانی	-	لرستان	

نتیجه‌گیری

در میان مجموعه‌ی عظیم اشیای نقره‌ی گنجینه‌ی غار کلماکره، صورتک‌های طلایی از نظر باستان‌شناسی و تکنیک ساخت، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. در مقایسه‌ی آن‌ها با سایر صورتک‌هایی که تاکنون از دوران مختلف یافت شده، دیدیم که حتی تکنیک ساخت نیز اندکی با سایر صورتک‌های مکشوفه تفاوت دارد. تمام صورتک‌های مورد اشاره، به صورت یک ورقه‌ی کامل چکش‌کاری یا قالب‌گیری شده بودند؛ اما صورتک‌های کلماکره دوتکه بوده و لب آن‌ها جداگانه ساخته شده است. جای حفره‌ی چشم‌ها نیز کاملاً خالی بوده که آن را با قیر پر می‌کردند و سپس به جای مردمک، آن را سنگ‌نشان می‌کردند. باتوجه به وجود بست و میخ‌ها و آثار ذرات چوب روی برخی از صورتک‌های کلماکره، معلوم می‌شود که این نوع صورتک‌ها روی مجسمه‌های چوبی قرار داشته و این مجسمه‌ها از نظر آیینی مهم بوده‌اند؛ زیرا در میان اشیای گنجینه‌ی کلماکره، فقط صورتک‌ها از طلا ساخته شده‌اند و به نظر نمی‌رسد که صورتک‌های مرگ بوده باشند.

مسئله‌ی مهم دیگر در مورد این صورتک‌ها اندازه‌ی آن‌هاست؛ زیرا همگی در اندازه‌های مختلف و کوچک‌تر از اندازه‌ی طبیعی ساخته شده‌اند و این امر، نشان می‌دهد که کاربریشان برای پوشاندن صورت نبوده، بلکه برای پوشش مجسمه‌های چوبی بوده‌اند. این نظر محتمل است که از این مجسمه‌ها در مراسم آیینی و تشریفاتی مربوط به ارواح مردگان و نیاکان‌شان استفاده کرده باشند. نکته‌ی قابل توجه دیگر، شکل این صورتک‌ها با بینی بزرگ و خمیده است که بسیار شبیه به شکل بینی لرهای امروزی در منطقه است. صورتک‌ها تقریباً همیشه ارواحی را به طور نمادین و سمبلیک مجسم می‌کنند؛ بدین معنی که مردم با استفاده از صورتک، خود را به شکل ارواح نیاکان، موجودات اساطیری، قهرمانان، حیوانات و خدایان طبیعی درمی‌آوردند.

در میان اقوام ابتدایی، مجسمه‌سازی جنبه‌ی جادویی داشته و نمادگرا بوده است. این هنر در تمدن‌های باستان، علاوه بر کاربرد تزئینی، کارکردی مذهبی و آیینی نیز یافته است. در تمدن‌های مختلف به جنبه‌ها و شرایط متفاوتی از آفرینش هنری در مجسمه‌سازی برمی‌خوریم؛ به‌تأثیر و شمایل‌های سومری با کارکرد آیینی، هنر وقایع‌نگار آشوری که هدف آن نمایش

عظمت پادشاهان بود، توجه به جهان پس از مرگ در هنر مصر، افسانه‌پردازی و سمبولیسم بودایی در هند، نمادگرایی و عناصر جادویی در صورتک‌ها و کنده‌کاری‌های آفریقایی، انسان‌گرایی و ایده‌آلیسم یونانی و به‌دنبال آن، توصیف‌گرایی در هنر رومی از شاخصه‌های اصلی ادواری است که بر هنر و مجسمه‌سازی اقوام مختلف بشری گذشته است.

دیدیم که صورتک‌های کلماکره بیشترین شباهت را با صورتک‌های مکشوفه از بین‌النهرین دارد که ریشه‌ی اصلی ساخت این شیء را براساس مدارک اراهه شده باید در هنر سومری جست‌وجو کرد؛ سپس ایلامیان به تقلید از آن‌ها پرداخته و از آن استفاده‌ی وسیعی کردند. صاحبان گنجینه‌ی غار کلماکره نیز به‌عنوان یکی از حکومت‌های مستقل دوران ایلام نو، که در جنوب لرستان ساکن بودند، اقدام به ساخت چنین آثاری با فرم و نحوه‌ی ساخت متفاوت کردند.

صورتک‌ها در آیین‌های فولکلوریک و سنتی، پیشینه‌ی مشترکی دارند. صورتک، نماد بخشی از آداب و رسومی است که کلیت آن مراسم را زینت می‌بخشد و گاهی سنتی ارجمند است که زندگی مذهبی و اجتماعی یک جامعه و یا گروه خاصی در درون آن جامعه را دربر می‌گیرد. تداوم پوشیدن صورتک در جشن‌ها توسط کودکان، نمونه‌های خوبی از این دست به‌شمار می‌رود. امروزه، صورتک‌ها از جنس پلاستیک و به‌صورت انبوه تولید می‌شوند و اغلب قهرمانان فیلم‌های محبوب عموم، برنامه‌های تلویزیونی یا کارتون‌ها هستند. به راستی هر حال، آن‌ها یادآور صورتک‌هایی هستند که نیروی مداومی برای ظهور بازیگری و نمایش داشتند. به‌راستی در زندگی امروزی ما که دیگر جایی برای صورتک‌های آیینی، دورکردن ارواح خبیثه، به‌رحم آوردن دل‌خدایان، برکت‌زایی و ... نیست، در طول یک روز به چند نوع صورتک نیاز داریم؟

منابع

- آمیه، پیر (1349). تاریخ ایلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- رضی، هاشم، (1380). گاهشماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: انتشارات بهجت.
- _____، (1371) آیین مهر، میتراپیسم، تهران: بهجت.
- روزنامه، ایران، فروردین، 1385 شماره‌ی 3441.
- کریمیان سردشتی، نادر، (1383). تاریخ تمدن حضر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- مجیدزاده، یوسف، (1370)، تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Adedeji Joel A. 1972: "The Origin and Form of the Yoruba Masque Theatre. In: Cahiers d'études africaines". Vol. 12 N°46. 1972. pp. 254-276.
- Brugeilles C. Cromer I., Cromer S. 2002, "Male and Female Characters in Illustrated Children's Books or How children's. A literature contributes to the construction of gender". In: Population, 57e année, n°2, pp. 237-267.
- Crawford, Harriet, 1991. "Sumer & Sumerian", Cambridge, Cambridge University press.
- De Jong Ferdinand. 1999, "Trajectories of a Mask Performance : the Case of the Senegalese Kumpo". In: Cahiers d'études africaines. Vol. 39 N°153. 1999. pp. 49-71.
- Fernandez James W., 1975, "Fernandez Renate L. Fang Reliquary Art : Its Quantities and Qualities". In: Cahiers d'études africaines. Vol. 15 N°60.. pp. 723-746.
- Gessain Robert. 1954, "Figurine androgyne eskimo (support de fusil sur le kayak)". In: Journal de la Société des Américanistes. Tome 43,. pp. 207-217.

- Grove, Janson & Turner Jane, 1996, "The dictionary of Art", Vol 17 , London: Macmillan publishers.
- James Simon. 1986, "Evidence from Dura Europos for the origins of late roman Helmets". In: Syria. Tome 63 fascicule 1-2, 1986. pp. 107-134.
- Loyed , S. 1961, "The art of the ancient Near East", London.
- Mack , John, 1944, "Masks: The art of expression", London, British Museum
- Prusac, Marina , 2005 , "The large Mask ", Eds. M. Barbanera & A. Freccero. (The Swedish Institute in Rome. Projects and Seminars, 3:1), Rome.
- Verhoeven Marc. 2002, "Transformations of society : the changing role of ritual and symbolism in the PPNB and the PN in the Levant", Syria and south-east Anatolia. In: Paléorient, Vol. 28 N°1. pp. 5-13.
- Walker, Ian, 1997, "Phantom Africa: Photography between Surrealism and Ethnography". In: Cahiers d'études africaines. Vol. 37 N°147. 1997. pp. 635-655.